

**The homogeneous relationship between ethics and jurisprudence
in the verses of enjoining the good and forbidding the evil
(with the focus on influence and the rule of ethics)**

Mohammad Karimi*, Moslem Mohammadi**

Abstract

The science of jurisprudence and the science of ethics are two original Islamic sciences that have a reciprocal effect on each other and are considered complementary; because they have a common purpose, which is to obey the divine commands and be close to Him. Enjoining the good and forbidding the evil are among the jurisprudential obligations in which morality has a special effect, without morality they do not have a useful and lasting effect on individuals and society. In the verses of the Holy Quran, while stating the various dimensions of the obligation of enjoining the good and forbidding the evil, it fully shows the dominance of the spirit of morality over them. Therefore, the present study, using a descriptive-analytical method, seeks to express the complementary relationship between ethics and jurisprudence in the verses of enjoining the good and forbidding the evil. Emphasizing this paradigm, in which the focus is on the influence and rule of ethics on jurisprudence, as well as other teachings of Islamic jurisprudence have such a background and support.

Keywords

ethics, jurisprudence, verses of rulings, enjoining the good, forbidding the evil, possibility of influence.

* PhD student in Islamic education at Farabi Campus, University of Tehran.
muhammad.karimi@ut.ac.ir (Responsible author)

** Associate Professor of Farabi Campus, University of Tehran, Tehran.
mo.mohammadi@ut.ac.ir



رابطه همگنانه اخلاق و فقه در آیات امر به معروف و نهی از منکر (با محوریت تأثیر گذاری و حاکمیت اخلاق)

محمد کریمی*، مسلم محمدی**

چکیده

علم فقه و علم اخلاق، دو دانش اصیل اسلامی اند که تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند و مکمل و متعاضد هم به حساب می آیند؛ چرا که هدف مشترکی را که همان امتثال اوامر الهی و تقرب به اوست، دنبال می کنند. امر به معروف و نهی از منکر، از جمله واجبات فقهی اند که اخلاق، جلوه ویژه ای در آنها دارد. در واقع، این واجبات، بدون پشتوانه اخلاق عملاً تأثیر مفید و ماندگاری بر فرد و جامعه ندارند. در آیات قرآن کریم هم ضمن بیان ابعاد مختلف و جوب امر به معروف و نهی از منکر، بر حاکمیت روح اخلاق بر آنها تأکید شده است. از این رو، پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، درصدد بیان ارتباط همگنانه بین اخلاق و فقه در آیات امر به معروف و نهی از منکر است. در تبیین این ارتباط، بر محوریت تأثیر گذاری و

* دانشجوی دکتری مدرس معارف اسلامی دانشکده گان فارابی دانشگاه تهران.

muhammad.karimi@ut.ac.ir

** دانشیار دانشکده گان فارابی دانشگاه تهران.

mo.mohammadi@ut.ac.ir



حاکمیت اخلاق بر فقه تأکید می‌شود؛ همان‌گونه که دیگر آموزه‌های فقهی اسلامی نیز از چنین پیشینه و پشتوانه‌ای برخوردارند.

کلیدواژه‌ها

اخلاق، فقه، آیات الاحکام، امر به معروف، نهی از منکر، احتمال تأثیر.

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، موضوعی مهم و در عین حال، ظریف و آسیب‌پذیر است؛ به گونه‌ای که برداشت نادرست از آن می‌تواند ضررهای جبران‌ناپذیری به دنبال داشته باشد. آیات قرآنی امر به معروف و نهی از منکر، همان‌گونه که بر وجوب فقهی این دو موضوع دلالت دارند، به شرایط و نکات اخلاقی مهمی نیز در این مسئله اشاره می‌کنند. رعایت نکردن این اصول و ارزش‌های اخلاقی هنگام امر به معروف و نهی از منکر، نه تنها ما را به نتیجه مقصود که اصلاح متخلفان است نمی‌رساند، بلکه نتیجه عکس دارد و چه بسا باعث می‌شود فرد خاطی در اشتباه خود مصمم‌تر شود و لجاجت ورزد.

بنابراین، می‌توان گفت اخلاق، روح حاکم و اصل استوار در امر به معروف و نهی از منکر است که اگر به آن بی‌اعتنایی شود، این واجب مهم به نحو احسن ادا نمی‌شود؛ در نتیجه، امر به معروف و نهی از منکر روز به روز در جامعه کم‌رنگ‌تر و دیدگاه مردم به آن، منفی‌تر می‌شود و در نهایت، این فریضه در جامعه تعطیل می‌شود. حال آنکه اگر امر به معروف و نهی از منکر در چارچوب قوانین اخلاقی قرار گیرد، نه تنها موجب دلزدگی جامعه نمی‌شود، عموم مردم از آن استقبال می‌کنند و باعث احیای دین، ضامن اجرای احکام اسلام و در نتیجه، عامل پیشبرد اهداف اسلامی می‌شود.



قانون امر به معروف و نهی از منکر از پیشینه طولانی برخوردار است و به شریعت اسلام اختصاص ندارد، بلکه در ادیان و شرایع آسمانی دیگر نیز بر آن تأکید شده است. این قانون الهی در شریعت اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و آیات متعددی از قرآن کریم به آن اختصاص یافته است.

پیشینه پژوهش

در حوزه امر به معروف و نهی از منکر، تحقیقات مختلفی صورت گرفته است. یکی از بهترین کتاب‌هایی که تاکنون در این باره نوشته شده، کتاب «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی» از مایکل کوک است. با بررسی تحقیقات موجود درمی‌یابیم که در تبیین این دو فریضه، کمتر به رویکرد اخلاقی توجه شده است. در این باره، حسین قاسمیان المشیری در مقاله‌ای با عنوان «اخلاق راهبرد اساسی در فریضه امر به معروف و نهی از منکر» (۱۳۸۹) تلاش می‌کند علاوه بر نشان دادن نقش اصول اخلاقی راهبردی در پیشبرد فریضه امر به معروف و نهی از منکر، چارچوب‌های اساسی و بنیادین اصول اخلاقی را در این دو فریضه بیان کند. در حالی که مقاله حاضر، آیات الاحکام امر به معروف و نهی از منکر را از نظر اخلاقی بررسی می‌کند و تمرکز آن، بر بیان ارتباط همگنانه فقه و اخلاق در این آیات است و از همین رو، کاری بدیع و جدید محسوب می‌گردد. افزون بر موارد یادشده، برخی از پژوهشگران با رویکرد مشابهی به تبیین پیوند اخلاق و دو باب دیگر فقهی از آیات الاحکام پرداخته‌اند که عبارت‌اند از:

۱. مسلم محمدی و حمیده شورگشتی در مقاله‌ای با عنوان «رابطه اخلاق و فقه در آیات طلاق» (۱۳۹۸) کوشیده‌اند اصول اخلاقی مشترک و مختص همسران را در حوزه طلاق بر پایه آیات قرآن کریم بیان کنند.

۲. مسلم محمدی و محمدرضا قضایی در مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی اخلاقی



تشریح و اجرای حدود در اسلام» (۱۳۹۸) به بررسی الگوها و روش‌های تربیتی و اخلاقی مرتبط با تشریح و اجرای حدود اسلامی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر نیز در همین زمینه است و به بیان ارتباط اخلاق و فقه در آیات امر به معروف و نهی از منکر - با محوریت تأثیرگذاری و حاکمیت اخلاق - می‌پردازد. این طرح کلی را می‌توان در تبیین اخلاقی ابعاد فقهی قرآن الگو قرار داد و زمینه تحقیقات مشابه را فراهم آورد.

ارتباط فقه و اخلاق

متون دینی اسلامی، دربردارنده معارف اعتقادی، فقهی و اخلاقی هستند و این معارف به شکل شبکه‌ای به هم پیوسته در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ به تعبیری، می‌توان گفت اسلام، مجموعه این معارف (به صورت عام مجموعی) است که به قول اصولیون، امتثال به اسلام جز با رعایت همه آن‌ها حاصل نمی‌شود. در سال‌های اولیه نزول اسلام، اعتقاد، فقه و اخلاق از هم جدا نبودند. بعدها علما و دانشمندان، آن‌ها را به حسب نیاز تبویب و منظم و برای سهل الوصول شدن، آن‌ها را تفکیک کردند (مهدوی کنی، ۱۳۸۴، ص ۱۹). پس، علم اخلاق و فقه از این منظر که هر دو از علوم اولیه اسلامی و مورد تأیید مستندات دینی هستند، اشتراک دارند.

پیوند میان فقه و اخلاق از آن روست که هر کدام از این دو دانش، بخشی از نیازهای مختلف جامعه اسلامی را تأمین می‌کنند. تخلف از فقه، هم عقوبت اخروی دارد، هم عقوبت دنیوی؛ از این رو، فقه، ضمانت اجرایی (بیرونی و درونی) بیشتری نسبت به اخلاق دارد، همان‌گونه که از دیگر سو، اخلاق به شکوفایی فقه مدد می‌رساند. علاوه بر مقام تحقق، در مقام معرفت‌شناسی نیز با ملاحظه آیات و روایاتی که به بیان وظایف انسان‌ها می‌پردازند، روشن می‌شود از آنجا که احکام اخلاقی در لابه‌لای احکام شرعی جریان دارند و با پیکره احکام عملی پیوند خورده‌اند، می‌توان مصالح اخلاقی را سبب وضع احکام شرعی دانست که برای



پاک‌سازی انسان‌ها و تقرب به خداوند جعل شده‌اند (محمدی، ۱۳۹۵ الف، ص ۳۷۶). اما باید توجه داشت که این دو حوزه از وجوه مختلفی مانند هدف، موضوع و روش متفاوت‌اند (همو، ۱۳۹۵ ب، ص ۱۶۴) و این تفاوت‌ها باعث تفکیکشان شده است. به تعبیر استاد مطهری، چیزهایی که مربوط است به عقل و اندیشه انسان، «عقاید» خوانده شده است و چیزهایی که مربوط است به خلق و خوی انسان، «اخلاق» خوانده شده و چیزهایی که مربوط است به عمل و کار انسان، «فقه» نام گرفته است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۳: ص ۵۸).

بنابراین، مسلمانان برای رساندن خود به هدف غائی و والای اسلام، باید از هر دو بال فقه و اخلاق کمک بجویند و تکیه بر یکی از این دو، هیچ‌گاه کافی نخواهد بود. یکی از چیزهایی که ارتباط عمیق بین فقه و اخلاق را نشان می‌دهد، آیات الاحکام هستند که علاوه بر اینکه منبع استنباط برای احکام شرعی قرار می‌گیرند، بیانگر اصول اخلاقی نیز هستند. البته چه بسا به جنبه اخلاقی این آیات توجه نمی‌شود. پژوهش حاضر تلاش دارد نکات اخلاقی موجود در آیات الاحکام امریه معروف و نهی از منکر را تبیین کند و ارتباط همگنانه فقه و اخلاق را در این زمینه نشان دهد. همان‌گونه که در مقدمه نیز بیان شد، مراد از توجه ویژه به اخلاق در این باب، تحقق هرچه بیشتر هدف امریه معروف و نهی از منکر و تأثیرگذاری حداکثری است.

واژه‌شناسی

امریه معروف یعنی «واداشتن دیگران به اموری که مطلوب است» و نهی از منکر یعنی «بازداشتن دیگران از چیزهایی که نامطلوب است» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ص ۲۲۴). در ذیل این تعریف باید به چند نکته توجه داشت:

اولاً لازم نیست امر حتماً به صورت دستور و فرمان باشد، بلکه امر در اینجا اعم از معنای لغوی آن است و هر نوع کاری را که به وادار کردن دیگران به خوبی‌ها منجر گردد، شامل می‌شود (نجفی، بی تا، ج ۲۱: ص ۳۸۱). نهی نیز همین طور است.





بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرند. در تقسیم‌بندی‌ای که بین فقها مشهور است، امر به معروف و نهی از منکر دارای سه مرتبه-اند که در صورت احتمال حصول مطلوب با مرتبه اول، جایز نیست به مراتب بعدی قدم گذاشت:

۱. انجام کاری که ناراحتی قلبی او از منکر آشکار گردد؛

۲. امر کردن و نهی کردن با زبان؛

۳. توسل به زور و جبر (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱: ص ۵۰۶).

هریک از این سه مرتبه، یک عنوان کلی هستند که می‌توانند به اشکال گوناگونی ادا گردند. مصادیق بسیاری می‌توان برای مرتبه دوم فرض کرد؛ مثلاً امر و نهی با زبان را هم می‌توان با تندی انجام داد، هم با نرمی یا ممکن است شامل قضایای گوناگون مقبولات، مسلمات، مشهورات، فطریات و... باشد. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر منحصر به دستوردادن نیست، بلکه اعم از آن است و در تعریف آن دو باید تمام افراد آن‌ها را در نظر گرفت تا تعریف، جامع افراد باشد.

ثانیاً معنی اصطلاحی معروف و منکر با معنی لغوی آن‌ها تفاوت‌هایی دارند؛ در لغت، به مطلق شناخته‌شده معروف گفته می‌شود، اما در اصطلاح، معروف یعنی کاری که نیکو شناخته شده باشد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ص ۳۱۰)؛ بنابراین، معروف اصطلاحی اخص از معروف لغوی است. پس، باید قیود مزبور را در نظر داشت تا مانع اغیار باشد. منکر نیز چنین است. منکر در لغت یعنی ناشناخته، اما در اصطلاح، کاری که نامطلوب باشد، منکر نامیده می‌شود.

شاید وجه تسمیه و ارتباط معنای لغوی و اصطلاحی این دو کلمه این باشد که معروف، کاری است که فطرت پاک انسانی با آن آشناست و منکر، کاری است که فطرت پاک انسانی با آن ناآشناست و از این رو، به اعمال نیک، معروف (آشنا) و به اعمال زشت، منکر (ناآشنا) گفته می‌شود.

نکته آخر اینکه امر به معروف و نهی از منکر، زیرمجموعه اصل بنیادین و کلیدی «مسئولیت‌پذیری اخلاقی» قرار می‌گیرند. مسئولیت‌های اخلاقی به چهار دسته (بندگی، فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی) تقسیم می‌شوند که امر به معروف و نهی از منکر، بیشتر در دسته اخلاق بندگی و اجتماعی قرار می‌گیرند (ر.ک: محمدی، ۱۳۹۵ب، ص ۱۲۳-۱۲۷). مایکل کوک - نویسنده آمریکایی که پانزده سال از عمر خود را صرف تحقیق و نوشتن کتابی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر کرده است و این خود اهمیت این دو فریضه را نشان می‌دهد - معتقد است علاوه بر اینکه باید شایسته رفتار کرد، لازم است دیگران را نیز از ارتکاب کارهای ناشایست در قبال هم نوعان بازداشت و این یک وظیفه و مسئولیت اخلاقی گسترده است (کوک، ۱۳۸۶، ج ۱: ص ۱۸).

فضیلت‌های اخلاقی

همان‌گونه که بیان شد، امر به معروف و نهی از منکر، دو واجب کاملاً منعطف‌اند که می‌توانند به اشکال گوناگون ادا گردند؛ از این رو، باید کوشید این دو عمل را در اخلاقی‌ترین حالت ممکن به جا آورد تا بیشترین احتمال تأثیر را داشته باشند.

اولین قدم برای اینکه بتوان امر به معروف و نهی از منکر را در قالب اخلاق ادا کرد، شناخت اصول کلی اخلاقی و ارزش‌های دینی اخلاقی این مسئله بر اساس آیات قرآن کریم است. اهم این اصول اخلاقی به شرح زیر بیان می‌شوند:

۱. ایمان

ایمان، اولین قدم برای ورود به مسیر حق و بندگی اوست. ایمان یعنی اعتراف زبانی، باور قلبی و عمل با جوارح. ایمان به زندگی انسان جهت می‌بخشد.





کسی که به خدا و به هدف او از خلقت باور دارد و معتقد است غرض پروردگار از آفرینش سعادت بشریت است، طبق باور خود عمل می‌کند؛ او برای هدایت خود و دیگران تلاش می‌کند و در برابر گناه و معصیت دیگر انسان‌ها بی‌اعتنا نمی‌شود. با این وصف، فرق بین انسان مؤمن و غیرمؤمن مشخص می‌شود و معلوم است که ایمان چقدر می‌تواند در عملی شدن امر به معروف و نهی از منکر مؤثر باشد. این تفاوت به قدری آشکار است که خداوند متعال در قرآن کریم، امر به معروف و نهی از منکر را نشانه انسان‌های مؤمن به خدا و روز قیامت دانسته است: ﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ آئِيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (آل عمران، ۱۱۴). بنابراین، می‌توان گفت ارتباط مستقیمی بین ایمان و روحیه هدایتگری وجود دارد.

این بیان درباره عملیاتی شدن امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه بود، اما از طرفی، عمل به این واجب الهی همانند دیگر دستورهای پروردگار، ابتدا بر خود انسان تأثیر می‌گذارد و موجب رشد و استکمال او می‌شود. باید در نظر گرفت که عمل، در صورتی باعث رشد و سعادت خود فرد می‌شود که از ایمان او صادر شده باشد. در غیر این صورت، برای خود آمر و ناهی، فایده اخروی ندارد. بنابراین، شرط اینکه امر و نهی در خود انسان هم اثرگذار باشد، ایمان داشتن و عمل از روی ایمان است. آیت الله مصباح یزدی در این زمینه می‌گوید:

«... اگر عملی از ایمان به خدا سرچشمه نگیرد، در سعادت حقیقی انسان تأثیر نخواهد داشت، گرچه کرداری نیکو باشد و منافع بسیاری در دنیا برای خودش یا دیگران بر آن مترتب شود... پس، اولین قدمی که انسان در سیر تکاملی خود به سوی کمال نهایی یعنی قرب خدای متعال برمی‌دارد، ایمان است. این قدم ریشه قدم‌های بعدی و روح همه مراحل استکمال است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ص ۹۵).

۲. هماهنگی رفتار با گفتار

از بررسی آیات الاحکام امر به معروف و نهی از منکر، این اصل اخلاقی به دست می‌آید که گفتار امر به معروف و ناهی از منکر، باید با عمل وی مطابقت داشته باشد. می‌توان گفت گاهی دلیل بی‌تأثیری امر به معروف و نهی از منکر این است که خود امر یا ناهی به گفته‌اش عمل نمی‌کند.

بنابراین، اصل اساسی برای اثرگذاری در مخاطب، این است که امر یا ناهی به گفته خویشتن مقید باشد. خداوند متعال در قرآن کریم، آمران و ناهیان بی‌عمل را با لحن تندی توبیخ می‌کند و آن‌ها را به تعقل در کار خود فرامی‌خواند: ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (بقره، ۴۴) یا در جایی دیگر، چنین امر و نهی‌ای را موجب خشم و سخط الهی قلمداد می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف، ۲-۳).

اهمیت فراوان این اصل اخلاقی را می‌توان از لحن آیات فهمید؛ چراکه بی‌عملی امر و ناهی، نه تنها باعث بی‌تأثیری امر و نهی می‌شود، بلکه نتیجه عکس در پی دارد و باعث می‌شود خطا کار به دین بدبین شود و با جرئت و جسارت بیشتری گناه کند. فیض کاشانی نیز همین عامل را سبب سنگینی بار گناهان عالمان دانسته است؛ چراکه می‌فرماید مردم به ایشان اقتدا می‌کنند و خطای عالم باعث لغزش عالم می‌شود (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ص ۲۳۱) این سخن برگرفته از این حدیث نبوی است: «زمانی که فقها و ائمه اصلاح شوند، امت من اصلاح می‌شود و زمانی که فاسد شوند، امت من فاسد می‌شود» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ص ۳۷). فقهای دیگر نیز، از جمله صاحب جواهر (نجفی، بی‌تا، ج ۲۱: ص ۳۸۲) و امام خمینی رحمته الله علیه (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱: ص ۵۱۲)، به این اصل مهم اشاره کرده‌اند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام، کسانی را که عمل آن‌ها با کلامشان منافق است، منافق



شمرده (نهج البلاغه، نامه ۲۷) و لعن کرده است (همان، خطبه ۱۲۹). روایت زیادی با این مضمون، از اهل بیت علیهم السلام نقل شده است.

۳. مشارکت جمعی

همان گونه که امروز یکی از ارکان سرمایه اجتماعی، مشارکت جمعی و منافع متقابل جامعه است، اصل دیگری که با دقت در آیات قرآن به دست می آید، اصل همکاری و همدلی است. همکاری و تعاون، یک قانون مهم اخلاقی و فقهی است که احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر را افزایش می دهد. البته همراهی و کمک به یکدیگر در انجام واجبات، به امر به معروف و نهی از منکر اختصاص ندارد و باید از آن در اجرای تمام واجبات الهی که وجهه اجتماعی دارند، بهره گرفت. در این زمینه می توان آیات را به دو گونه دسته بندی کرد:

(۱) آیاتی که بر اصل همکاری دلالت دارند؛ مانند آیه شریفه **﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ اتَّقُوا﴾** (مائده، ۲) یا **﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطَكُم بَوَاجِدَةً أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْفِقِينَ﴾** (سبأ، ۴۶) که طبق آن ها، امر به معروف و نهی از منکر، از مصادیق روشن برّ و قیام برای خدا به شمار می آیند؛ بنابراین، طبق این دو آیه باید اصل همکاری و تعاون را در آن دو اجرا کرد.

(۲) آیاتی که به اصل همکاری در امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارند؛ مانند آیه آخر سوره عصر: **﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾** (العصر، ۲-۳). توصیه به حق اعم از امر به معروف و نهی از منکر است و آن را شامل می شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ص ۳۵۷). خداوند متعال در این آیه شریفه، توصیه به حق را در باب تفاعل بیان کرده و معنی غالب باب تفاعل، مشارکت است (همو، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵).

توصیه به حق که در این آیه به آن امر شده، چنین نیست که به فرد یا گروه خاصی اختصاص داشته باشد، بلکه این واجب الهی بر همه مسلمین متقابلاً واجب





است و طبق منطوق آیه، همگان باید یکدیگر را توصیه و امر به معروف کنند. مشارکت همه مردم، گاهی به همکاری آن‌ها با یکدیگر نیازمند است. بنابراین، از آنجا که توصیه به حق به جماعت و گروه خاصی اختصاص ندارد، همه افراد باید در این وظیفه الهی همکاری و مشارکت کنند تا از این طریق، جامعه از رذایل و تخلفات پاک گردد (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۳۰: ص ۴۴۲).

بیشتر فقها این امر مهم الهی را واجب کفائی می‌دانند، اما مراجعی همچون آیت الله سیستانی، به وجوب عینی امر به معروف و نهی از منکر در مرتبه اظهار کراهت فعلی و قولی فتوا داده‌اند (سیستانی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۸۹). البته باید توجه داشت که امر به معروف و نهی از منکر چه واجب عینی باشد چه کفائی، باید من به الکفایه برای آن اقدام کنند و این وجوب اختصاص به صنف خاصی ندارد (طباطبایی حکیم، ۱۴۳۳ق، ج ۱: ص ۴۵۳). پس، اگر جایی کسی به تنهایی نتواند معروف را اقامه و از منکر جلوگیری کند، بر دیگران واجب است که به یاری او رفته و با او همکاری کنند.

۴. گذشت و بخشایش

بخشایش از جمله فضیلت‌های اخلاقی اجتماعی و زمینه‌ساز دوستی و محبت عمومی است؛ از این روست که بخشایش می‌تواند به تغییر روابط میان انسان‌ها منجر گردد. گذشت از بدی‌ها و کینه‌توزی‌ها یکی از اصول اخلاقی است که تأثیر امر به معروف و نهی از منکر را بسیار زیاد می‌کند.

آمر یا ناهی باید طریق محبت و گذشت را در پیش بگیرد تا بتواند قلب خطاکار لجوج و کینه‌توز را نرم و وی را به معروف فراخواند و از منکر دوری کند. گاهی اتفاق می‌افتد که خطای افراد متوجه دیگران می‌گردد و باعث می‌شود که حقی از حقوق آن‌ها پایمال شود. اینجاست که ذی‌حق اگر بخواهد شخص خطاکار را از خطایش بازدارد، بهترین راه این است که ابتدا از حق خود بگذرد و سپس، او را از

اشتباهش آگاه سازد. عفو و بخشایش همیشه باعث به دست آوردن قلب متجاوز می‌گردد. امر به معروف و نهی از منکر که بعد از گذشت انجام گیرد، قطعاً تأثیر مضاعفی در اصلاح خطا کار دارد. با کمی تأمل در آیات قرآن کریم می‌توان این پیام را دریافت کرد؛ خداوند متعال، ابتدا به پیامبر اسلام ﷺ دستور گذشت داده و سپس، فرمان امر به معروف را صادر کرده است: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (اعراف، ۱۹۹).

به بیان امام خمینی، یکی از مهمات باب امر به معروف و نهی از منکر، مدارا کردن است و اگر خطا کار با شدت و درشتی، امر و نهی شود، کارش از معصیت کوچک به معاصی بزرگ و یا حتی به ارتداد و کفر منتهی می‌شود. امر و نهی در ذائقه انسان تلخ و ناگوار است و خشم و غضب را تحریک می‌کند. پس، امر به معروف و نهی از منکر باید این تلخی و ناگواری را با شیرینی بیان و رفق و مدارا و حسن خلق، جبران کند تا کلامش اثر کند و دل سخت معصیت کار، نرم و رام شود (خمینی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۷). «با دوستان مروت و با دشمنان مدارا» تأثیر رفتار و گفتار را دوچندان می‌کند.

۵. اعراض از جاهلان

عده‌ای متعصب و لجوج‌اند. چنین افرادی غالباً از پذیرفتن سخن حق امتناع می‌ورزند و چه بسا پر خاشگیری می‌کنند. این افراد بسیار سخت‌هدایت می‌شوند و بهترین راه برای بیدار ساختن این جاهلان، نادیده گرفتن آنها و نشنیده گرفتن سخنان آنان است. قرآن کریم نیز وظیفه پیامبر ﷺ را در برابر افراد جاهل و نادان، روی گرداندن از آنها می‌داند: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (اعراف، ۱۹۹).

بنابراین، اگر هنگام امر به معروف و نهی از منکر با افراد نادان مواجه شدیم، بهترین کار، اجتناب از اطالۀ صحبت و مجادله با آنان است. شیخ طبرسی نیز در ذیل



این آیه شریفه می گوید که گفت و گو با سفیه از قدر و منزلت انسان می کاهد و موجب حقارت او می شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ص ۷۸۸). با این وصف، می توان برای پرهیز از جدال با افراد نادان دو جنبه اخلاقی و تربیتی را تصور کرد:

(۱) امر به معروف و نهی از منکر این افراد، به لجاجت و عناد آنها کشیده می شود و سکوت در مقابلشان اثر بیشتری دارد. پس، ماندن در همین حالت برایشان بهتر از لجاجت و سرکشی است.

(۲) امر به معروف و نهی از منکر نادان، در نهایت به ذلت و خفت آمر و ناهی می انجامد. لذا بهترین کار در این مورد، ترک امر و نهی است.

فقهای شیعه، احتمال تأثیر را شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر شمرده اند؛ یعنی اگر احتمال تأثیر در طرف مقابل نباشد، امر به معروف و نهی از منکر جایز نیست؛ برای مثال، به گفته سید خویی، اگر بدانیم خطا کار به امر و نهی اهمیت نخواهد داد، وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط می گردد (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۳۵۱) یا امام خمینی در جایی که امر و نهی موجب وهن شریعت مقدس باشد، فتوا به حرمت داده و معتقد است چنین امر و نهی ای جایز نیست؛ مگر در موارد بسیار مهم که نباید در آنها سکوت کرد (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱: ص ۴۹۵). بنابراین، تشخیص اینکه امر به معروف و نهی از منکر تأثیر خواهد داشت یا نه و اینکه چه تبعاتی ممکن است داشته باشد، به عهده خود فرد است؛ اگر تشخیص دهد امر و نهی تأثیر ندارد، وجوب آن ساقط می شود و در صورتی که احتمال تبعاتی مانند وهن شریعت را بدهد، نه تنها وجوب آن ساقط می شود، بلکه این امر و نهی حرام است.

البته باید توجه کرد که مؤمن همواره باید در مقابل گناه، انزجار قلبی داشته باشد، چه به مرحله امر به معروف و نهی از منکر برسد، چه نرسد. نفرت قلبی از گناه، امری درونی است؛ انسان مؤمن هنگام مشاهده معصیت دیگران، ناراحت می شود و قلباً به تحقق گناه راضی نیست و این به احتمال تأثیر داشتن یا نداشتن ارتباطی ندارد (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ص ۴۱۷).



در حقیقت، با توجه به نوع هر گناه مأموریت متفاوت خواهد بود؛ اگر احتمال تأثیر امر و نهی هست، باید وارد میدان شد و اگر نیست باید دست کم ابراز ناراحتی قلبی و مذمت خویش را نشان داد؛ چراکه در غیر این صورت، کم کم حرمت و قبح منکرات در نگاه و انگاره انسان می‌شکند و بی‌اعتنایی اخلاقی ایجاد می‌شود.

۶. دعوت از روی دانش و حکمت

یکی از راه‌های فرهنگ‌سازی در حوزه اخلاق، ایجاد علم و معرفت مؤثر در میان مردم است که در اخلاق کاربردی به آن «اندیشه‌سازی» می‌گویند؛ از همین روست که گفته‌اند: «دانش آن است که برای انسان دگرگون‌کننده و تأثیرگذار باشد» و شاید به همین دلیل است که سقراط معتقد بود معرفت و شناخت مساوی است با فضیلت اخلاقی و از نگاه او، علم، علت تامه عمل است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۳۰۴).

راغب اصفهانی، رسیدن به حق از طریق علم و عقل را «حکمت» می‌نامد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۹). رعایت حکمت در امر به معروف و نهی از منکر، از جمله دستورهای قرآنی در این باب است. امر به معروف و نهی از منکر، بدون دانش و خرد، تأثیر به‌سزایی ندارد. طبیعت انسان، از باور حرفی که دلیل قانع‌کننده‌ای برای آن اقامه نشده باشد، امتناع می‌ورزد.

فریدریش نیچه می‌گوید: «کسی که چرایی را یافته بشد، با هر چگونگی خواهد ساخت». برای اینکه امر به معروف و ناهی از منکر بتواند در قلب و جان مخاطب خود تأثیر بگذارد، باید خوبی معروف یا زشتی منکر را به اثبات برساند و بدین منظور، به دو بال علم و عقل محتاج است. با علمی که به‌دور از عقلانیت باشد، امر به معروف و نهی از منکر ناقص است؛ به عبارتی، بدون بهره‌گیری از عقل و با استدلال سست، امر به معروف و نهی از منکر نیز سست خواهد بود. از این رو، خداوند متعال می‌فرماید دعوت دیگران باید از روی حکمت صورت گیرد: ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ





رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ﴿ (نحل، ۱۲۵) محقق
 ایروانی نیز علاوه بر استفاده و جوب امر به معروف و نهی از منکر از این آیه، معتقد
 است این دعوت باید مشتمل بر حکمت و موعظه حسنه باشد (ایروانی، ۱۳۸۶، ج ۱:
 ص ۲۶۸). بنابراین، یکی از اصول متقاعد کردن دیگران برای ترک اعمال زشت و
 انجام کارهای خوب، دعوت آنان با ارائه دلیل و برهان است.

همچنین، مراد از حکمت فقط بیان دلیل نیست، بلکه در خود امر و نهی
 نیز باید تمام شرایط و حالات را در نظر گرفت و حکمت آمیز رفتار کرد؛ برای
 مثال، شهید ثانی، فقیه بزرگ شیعی می گوید نباید کسانی را که هنوز به عبادت راه
 نبرده و شیرینی بندگی الهی را نچشیده‌اند، یک باره به عبادت شاقه تکلیف
 کرد؛ زیرا این کار به دل زدگی و نفرت آنان منجر می گردد و موافق حکمت نیست
 (شهید ثانی، ۱۳۷۷، ص ۴۰۲). طبق تجربه، قطعاً یکی از ادله مهم ذهنیت‌های
 منفی درباره این دو فریضه و فضیلت فقهی و اخلاقی همین اقدامات بی دلیل و دانش
 بوده است.

۷. بهره‌گیری از زبان نرم

روی خوش و زبان نرم، از بهترین ابزارها برای جذب حداکثری مخاطب است. در
 بیان اهمیت این مؤلفه همین بس که در امر به معروف و نهی از منکر ظالمی همانند
 فرعون نیز خداوند متعال به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام دستور می دهد با قول لین او را به راه
 راست دعوت کند: ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (طه، ۴۴). دعوت
 مهربانانه و بیان لطیف باعث می شد پیامبران الهی بتوانند انسان‌ها را به
 دین حق دعوت کنند و رسالتشان را به ثمر بنشانند. علامه طباطبایی، خویشتن داری و
 نرم‌خویی را از واجب‌ترین آداب دعوت می داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق،
 ج ۱۴: ص ۱۵۴).

به طور کلی، قاعده «الایسر فالایسر» در امر به معروف و نهی از منکر جاری است و بر اساس آن، در حد توان باید از روش های خفیف تر استفاده کرد و تعدی از آن جایز نیست. بنابراین، پیش از آنکه کار به تندی و تشدید کشیده شود، باید با زبانی نرم و تذکر دلسوزانه وارد عمل شد.

این اصل اخلاقی که در کتب فقهی هم رعایت آن واجب دانسته شده است، (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱: ص ۵۰۸) نکته ظریفی است که در بسیاری اوقات مغفول واقع می شود. کسانی، حتی با ظاهر کاملاً مذهبی، هنگام مواجهه با خطا و اشتباه دیگران، بدون اینکه شروط امر به معروف و نهی از منکر را رعایت کنند، مستقیماً به تندی و خشونت متوسل می شوند و فرد خطاکار را به کاری الزام می کنند یا صدایشان را بالا می برند؛ در حالی که اسلام هرگز چنین رفتاری را تأیید نمی کند. این مسئله را می توان از آفات اجرای این واجب الهی شمرد که برای جلوگیری از آن باید همت گماشت. بنابراین، با رعایت این اصل مهم یقیناً امر به معروف و نهی از منکر تأثیرات بهتر و بیشتری در جامعه خواهد گذاشت.

۸. صبر و استقامت

گاهی پیش می آید که آمر به معروف و ناهی از منکر با رفتار نادرست و هجمه از طرف مقابل مواجه می شود. در این گونه مواقع، بهترین واکنش، صبر است. چه بسا اتفاق می افتد که گنهکار، گناه خود را قبول نمی کند و از خود رفتار تندی نشان می دهد یا گاهی اشخاص دیگر نیز به حمایت از او، آمر به معروف و ناهی از منکر را توبیخ می کنند که چرا در کار دیگران دخالت کرده است. این ها مشکلاتی است که ممکن است آمر به معروف و ناهی از منکر با آن ها روبه رو شود. اینجاست که باید صبر بر اطاعت کرد، در برابر گزند احتمالی انسان های گناهکار بردباری ورزید و در راه امر به معروف و نهی از منکر استقامت کرد.



طبق آیات قرآن کریم، حضرت لقمان علیه السلام به فرزند خود وصیت کرد که نماز را به پا دارد، امر به معروف و نهی از منکر کند و در این راه صبر و استقامت بورزد: ﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان، ۱۷). شیخ طبرسی، در مجمع البیان، از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل می‌کند که مراد از «ما أصابك» در آیه شریفه، مشقت‌ها و آزارهایی است که ممکن است در این راه به او برسد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ص ۴۹۹). شیخ طوسی نیز در التبیان فی تفسیر القرآن می‌نویسد این آیه بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد، حتی در صورتی که دارای مشقت و اذیت باشد (طوسی، بی تا، ج ۸: ص ۲۷۹).

بنابراین، با وجود اذیت‌ها و مشقت‌های احتمالی و نامعتنابه، وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی‌شود، بلکه در مقابل، یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر این است که در امر و نهی، مفسده قابل توجه نباشد؛ به عبارت دیگر، ضرر جانی، حیثیتی و مالی معتنابه‌ی او را تهدید نکند که در غیر این صورت، امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست مگر در موارد بسیار مهم (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱: ص ۵۰۱) مانند ایثار جان، مال و اهل امام حسین علیه السلام در راه زنده‌نگه‌داشتن اسلام). آیت‌الله منتظری نیز معتقد است ضررهای احتمالی را باید با منکر سنجید و طبق قاعده اهم و مهم عمل کرد و ملاک هر کدام مهم‌تر بود، آن را انتخاب کرد (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۲۵۱).

بنابراین، قدر متیقن، مواردی را که زحمت و اذیتشان خفیف و نزد عقلا نامعتنابه‌اند، شامل می‌شود و در این گونه موارد، از نظر فقهی، وجوب امر و نهی ساقط نمی‌گردد. نکته اصلی بحث این است که وجوب امر به معروف و نهی از منکر از یک طرف و مشکلات و مشقات انجام آن از طرف دیگر، ما را به اصل اخلاقی صبر



و شکیبایی محتاج‌تر می‌کند و نشان می‌دهد که بهترین و شایسته‌ترین راه جمع بین این دو، همین اصل صبر است.

۹. رعایت حریم خصوصی

امروزه رعایت حریم خصوصی به منزله یک اصل بنیادین اخلاقی و حقوق بشری از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این اصل، در فقه اسلامی با قاعده‌های تسلیط و احترام یاد شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲: ص ۲۲؛ بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۷: ص ۱۱۶). نقض حریم خصوصی، عنوانی کلی است که در منابع دینی به شدت مذمت شده است و مصادیق مختلفی مانند غیبت، سوءظن و تجسس دارد؛ چنان‌که قرآن کریم از همه آنان نهی کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا...﴾ (حجرات، ۱۲). گاهی تعدی به حریم خصوصی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر نیز اتفاق می‌افتد؛ مصداق بارز آن، تجسس درباره گناه دیگران است. چنین کاری مورد تأیید نظام اخلاقی اسلام نیست و فقها آن را جایز نمی‌دانند (وحید خراسانی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۸).

بنابراین، نباید برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر، دنبال یافتن جرم و مجرم بود. اگر کسی در ملاءعام دست به گناه بزند یا بدون تجسس، گناه پنهانی او مشخص شود، امر به معروف و نهی از منکر درباره او ضرورت دارد، اما در غیر آن، نباید حریم خصوصی افراد را جست‌وجو کرد.

بنابراین، حوزه اجرایی این دو فریضه الهی، حریم عمومی است و چنانچه فردی با عمل خویش حریم عمومی جامعه را آلوده سازد، بر همگان لازم است از آن جلوگیری کنند. البته نباید حریم خصوصی را نیز چنان وسیع فرض کرد که حیات اجتماعی انسان بی‌معنا گردد و هر کس برای رفتار خود در محیط عمومی، حریم



خصوصی کاذب قائل شود. در این گونه موارد، اساساً به کاربردن لفظ حریم خصوصی، نادرست است و حریم خصوصی این افراد با امر به معروف و نهی از منکر نقض نمی گردد؛ از این رو، این اصل با وجود امتیازاتی که دارد، نباید وسیله سوء استفاده گردد و بهانه‌ای برای ارتکاب گناه در جامعه قرار گیرد (محصص، ۱۳۹۱، ص ۷۸).

به نظر می‌رسد باید به ضابطان قوه قضاییه، مأموران نیروی انتظامی و کسانی که به نحوی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر فعالیت دارند، آموزش‌های لازم درباره شناخت حریم خصوصی و عمومی را ارائه کرد؛ چرا که از یک سو، ورود به حریم خصوصی می‌تواند باعث ایجاد ذهنیت منفی و بازتاب‌های نامناسب درباره حاکمیت دینی، جامعه و اصل این دو فریضه ضروری و مهم شود و از سوی دیگر، حریم عمومی را خصوصی فرض کردن، نقش امر به معروف و نهی از منکر را تضعیف خواهد کرد.



نتیجه گیری

از پژوهش حاضر نکات زیر استنتاج می شود:

۱. با دقت در آیات قرآن کریم می توان به این حقیقت پی برد که توجه به اصول و ارزش های اخلاقی در آیات امر به معروف و نهی از منکر به وضوح مشهود است.

۲. از آیات قرآن کریم به دست می آید که در صورت نادیده گرفتن اصول اخلاقی در امر به معروف و نهی از منکر عملاً نمی توان از این طریق، تأثیری بر افراد و جامعه گذاشت. پس، برای تأثیرگذاری بیشتر، باید این دو فریضه و فضیلت را با رویکرد اخلاقی به انجام رساند؛ چرا که اگر اخلاق در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نادیده گرفته شود، نه تنها بی اثر می شود، بلکه به عملی کاملاً خشک و ناهنجار تبدیل می شود و آثار نامطلوبی چون لجاجت و پرخاشگری به دنبال دارد.

۳. به طور خاص، اصول اخلاقی متعددی از آیات الاحکام امر به معروف و نهی از منکر به دست آمد که به تفصیل تبیین شدند. نگاه مورد پژوهی و تفصیلی هر یک از این اصول، به صورت میدانی و عملیاتی، به راستی آزمایی آن ها منجر خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ایروانی، باقر (۱۳۸۶)، دروس تمهیدیه فی تفسیر آیات الاحکام، قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
۵. بجنوردی، حسن (۱۳۷۷)، القواعد الفقهیه، قم: الهادی.
۶. خمینی، روح الله (۱۳۹۲)، تحریر الوسیلة، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله.
۷. خمینی، روح الله (۱۳۸۲)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله.
۸. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
۱۰. سیستانی، علی (۱۴۲۲ق)، المسائل المنتخبة، قم: مکتب آیت الله سیستانی.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: مکتبه الداوری.
۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۷۷)، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه، تهران: پیام حق.
۱۳. نجفی، محمد حسن بن باقر (بی تا)، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، چ ۲، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۱۵. طباطبایی حکیم، محمد سعید (۱۴۳۳ق)، منهاج الصالحین، قم: دار الهلال.



۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ ۳، تهران: ناصر خسرو.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۲)، *راه روشن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۰. کوک، مایکل (۱۳۸۶)، *امربه معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی*، ترجمه احمد نمایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۱. محمص، مرضیه (۱۳۹۱)، «بازخوانی نسبت امر به معروف و نهی از منکر با حریم خصوصی بر مبنای قرآن کریم»، *حسنا*، ش ۱۵، ص ۶۷-۸۲.
۲۲. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: اسماعیلیان.
۲۳. محمدی، مسلم (۱۳۹۵الف)، «تمایز و وابستگی راهکاری منطقی در گفت و گوی فقه و اخلاق»، *پژوهش‌های فقهی*، دوره ۱۲، ش ۲، ص ۳۶۷-۳۸۸.
۲۴. محمدی، مسلم (۱۳۹۵ب)، *مقدمه علم اخلاق*، تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران.
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۶)، *خودشناسی برای خودسازی*، چ ۲۰، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.
۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۴)، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، چ ۵، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.



۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰)، القواعد الفقهية، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۹. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق)، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة، قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامیة.
۳۰. مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۴)، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، چ ۷، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۱. وحید خراسانی، حسین (۱۳۸۶)، توضیح المسائل، قم: مدرسه امام باقر العلوم.



References

1. *The Holy Quran*.
2. *Nahj al-Balaghat*.
3. Bojnordi, Hassan (1998), *Qavaed al-Fiqh*, Qom: al-Hadi.
4. Cook, Michael (2007), *Enjoining the good and forbidding the evil in Islamic thought*, translated by Ahmad Namai, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation Publications.
5. Faiz Kashani, Mohammad Ibn Shah Morteza (1993), *Rah Roshan*, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation Publications.
6. Ibn Babawiyah, Muhammad ibn Ali (1983), *al-Khesal*, Qom: Qom Seminary Teachers Association Publications.
7. Irvani, Baqir (2007), *Preparatory courses in the interpretation of the verses of the rules*, Qom: Dar al-Fiqh Publications for Printing and Publishing.
8. Khoei, Sayyid Abu al-Qasim (1989), *Minhaj al-Saleheen*, Qom: Medinat al-Elm.
9. Khomeini, Ruhollah (2003), *Explanation of the Hadith of the Soldiers of Wisdom and Ignorance*, Qom: Publications of Imam Khomeini Publishing House.
10. Khomeini, Ruhollah (2013), *Tahrir al-Wasileh*, Qom: Publications of Imam Khomeini Publishing House.
11. Mahdavi Kani, Mohammad Reza (2005), *Starting points in practical ethics*, Ed 7, Tehran: Islamic Culture Publications.
12. Makarem Shirazi, Nasser (1991), *al-Qavaed al-Faqihiah*, Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School.
13. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2015), *Critique and Study of Ethical Schools*, Ed 5, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
14. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2017), *Self-knowledge for self-improvement*, Ed 20, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
15. Mohammadi, Muslim (2016), "Distinction and Dependence of Logical Strategies in the Conversation of Jurisprudence and Ethics", *Journal of Jurisprudential Research*, Vo.12, No.2, pp. 367-388.
16. Mohammadi, Muslim (2016), *Introduction to Ethics*, Tehran: Tehran University Jihad Organization Publications.
17. Mohaqeq Hali, Ja'far ibn Hassan (1987), *Sharie al-Islam fi Masael al-halal va al-haram*, Qom: Ismailian Publications.
18. Mohasses, Marzieh (2012), "Rereading the relation between enjoining the good and forbidding the evil with privacy based on the Holy Quran", *Hosna Magazine*, No.15, pp. 67-82.
19. Montazeri, Hossein Ali (1988), *Derajat fi Wilayat al-Faqih va Fiqh ai-daulat al-Islamiah*, Qom: Publications of the International Center for Islamic Studies.
20. Motahari, Morteza (2010), *Collection of Works*, Tehran: Sadra Publications.
21. Najafi, Mohammad Hassan Ibn Baqir (n.d), *Jawahar al-Kalam*, Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi Publications.
22. Ragheb Isfahani, Hussein bin Mohammad (1991), *Mofradat Alfaz al-Qoran*, Beirut: Dar Al-Qalam Publications.
23. Sadeghi Tehrani, Mohammad (1986), *al-Furqan Fi Tafsir al-Quran be al-Quran*, Ed 2, Qom: Islamic Culture Publications.
24. Shahid Thani, Zayn al-Din Ibn Ali (1989), *al-Rawdah al-Bahiya fi Sharh al-Luma' al-Dimashqi*, Qom: Publications of al-Dawari Library.
25. Shahid Thani, Zayn al-Din Ibn Ali (1998), *Mesbah al-Sharia va Meftah al-Haqiqah*, Tehran: publications of Payam Haqq.
26. Sistani, Ali (2001), *al-Masael al-Montakhabat*, Qom: Ayatollah Sistani School Publications.
27. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1993), *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Tehran: Nasser Khosrow.
28. Tabatabai Hakim, Mohammad Saeed (2012), *Minhaj al-Saleheen*, Qom: Dar Al-Hilal Publications.
29. Tabatabai, Seyed Mohammad Hossein (1996), *al-Mizan Fi Tafsir al-Quran*, Qom: Qom Seminary Teachers Association Publications.

30. Tusi, Muhammad ibn Hassan (n.d), *al-Tibyan Fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Dar Ehyae al-Torath al-Arabi.
31. Vahid Khorasani, Hussein (2007), *Tauzih al-Masael*, Qom: Imam Baqir al-Oloom School.

